

Archive of SID

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال هفتم، شماره (۲۵)، بهار ۱۳۹۷ صفحه‌های ۱۴۵-۱۶۷

واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیکی رابطه شورای همکاری خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر جهان اسلام

هادی ویسی*

استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور

چکیده

منطقه خلیج فارس، خاستگاه و هسته مرکزی در جهان اسلام است. دو قدرت برتر جهان اسلام یعنی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در کرانه‌های شمالی و جنوبی این منطقه ژئوپلیتیکی واقع شده‌اند. رقابت و اختلافات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی این دو قدرت منطقه‌ای پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران آغاز شد و به تدریج بر ابعاد آن افزایش یافت. این پژوهش به دنبال بررسی رابطه شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر جهان اسلام است. به لحاظ تاریخی، روابط این دو واحد فضایی - سیاسی به سه دوره قابل تقسیم است که پیچیده‌ترین آن در دوره معاصر روی داده است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی با نگاه ژئوپلیتیکی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رقابت و تنش میان روابط ایران و عربستان سعودی بسیار عمیق، گسترده و پایدار است و به راحتی امکان مصالحه، اتحاد و همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی هسته مرکزی جهان اسلام وجود ندارد. بر این اساس، همگرایی و اتحاد در جهان اسلام، جایی که هسته مرکزی و قدرت‌های جهان اسلام در مناقشه هستند، بسیار بعید و دور از دسترس است و نمی‌توان چشم‌انداز روشنی را برای آن ترسیم کرد.

واژگان کلیدی: شورای همکاری خلیج فارس، جهان اسلام، ژئوپلیتیک، عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۲/۲۳
آدرس الکترونیکی نویسنده عهده‌دار مکاتبات: hadiveicy@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

شورای همکاری خلیج فارس یک اتحادیه منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا و منطقه شبه جزیره عربستان است که از شش کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، بحرین، قطر و عمان تشکیل یافته است. این اتحادیه منطقه با مساحت ۲۵۷۳ هزار کیلومتر مربع ۱/۷ کره زمین را اشغال کرده است. در این اتحادیه، کشور عربستان سعودی نقش محوری دارد و بیش از ۸۳ درصد مساحت آن را تشکیل می‌دهد. چهار کشور کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی کمتر از ۵ درصد مساحت این اتحادیه را تشکیل می‌دهند (۱۲ درصد آن عمان است).

قرارگیری در شبه جزیره عربستان، اتصال به خلیج فارس، دارا بودن آب و هوای گرم و سوزان، خشکی و کم آبی، پوشش گیاهی بسیار اندک، نواحی پست و کم ارتفاع، تبخیر و تعرق بسیار زیاد و به طور کلی غلبه خصیصه‌های بیابانی و صحرایی از ویژگی‌های طبیعی مشترک این شش کشور عربی خلیج فارس است که به لحاظ جغرافیایی باعث شکل‌گیری یک منطقه جغرافیایی متحد و با بستر طبیعی هماهنگ و منسجم شده است. همچنین اشتراک در زبان و رسم الخط عربی، دین اسلام، نژاد سامی، نظام سیاسی پادشاهی و قبیله‌ای، اقتصاد تک‌محصولی صادرات نفت (دولت رانتیر) و وابستگی به جهان غرب از ویژگی‌های مهم جغرافیای انسانی این کشورها است. این ویژگی‌های مشترک طبیعی و انسانی، زمینه مساعدی را برای شکل‌گیری یک اتحادیه منطقه‌ای ایجاد کرده است. باید توجه داشت که ویژگی‌های مشترک طبیعی و انسانی کشورهای یک منطقه جغرافیایی شرط لازم برای شکل‌گیری همگرایی و اتحادیه منطقه‌ای است اما شرط کافی نیست. به عبارت دیگر، صرف داشتن اشتراک در ویژگی‌های طبیعی و انسانی باعث ایجاد همگرایی و اتحادیه منطقه‌ای نمی‌شود. برای ایجاد همگرایی و اتحادیه منطقه‌ای بیش از همه چیز نیاز به احساس داشتن هویت مشترک، عقلانیت و اراده سیاسی رهبران سیاسی، اشتراک در منافع و کم‌رنگ شدن منابع تضاد و تنش در کشورهای منطقه است. این مسئله در خصوص ایجاد شورای همکاری خلیج فارس در یک فرایند تکامل تدریجی سیاسی صورت نگرفته است، بلکه متأثر از یک رویداد سیاسی به نام انقلاب اسلامی ایران بوده است که با حمایت قدرت‌های جهانی غربی ایجاد شده است.

۱- وقوع انقلاب اسلامی ایران و ایجاد کمربند دفاعی - امنیتی در برابر نفوذ و صدور انقلاب ایران به کشورهای جنوبی خلیج فارس، یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری شورای همکاری بود. حکام و شیوخ کشورهای عربی خلیج فارس، انقلاب اسلامی ایران را تهدید برای بقا و موجودیت حکومت خود و امنیت قلمرو تحت حاکمیت خود تفسیر می‌کردند. بر این اساس در ابتدای دهه ۱۹۸۰ و اندکی پس از انقلاب اسلامی ایران، شورای همکاری را به وجود آوردند.

وقوع انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در نیمه دوم سده بیستم در منطقه هسته مرکزی جهان اسلام باعث تنش‌ها و چالش‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی زیادی در

میان این دو قلمرو اصلی جهان اسلام شد. بر این اساس، شکل‌گیری شورای همکاری و رابطه آن با جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های ژئوپلیتیکی برآمده از این رابطه مسئله پژوهش است؛ بنابراین، پرسش اصلی تحقیق این است که رابطه شورای همکاری خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده و این رابطه چه تأثیری بر جهان اسلام داشته است؟. در مقابل فرضیه تحقیق این است که «چالش‌های ژئوپلیتیکی زیادی میان شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که باعث گسیختگی ژئوپلیتیکی و مانع جدی بر سر اتحاد و همگرایی در هسته مرکزی جهان اسلام شده است.»

روابط شورای همکاری خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران

۱. دوره جنگ ایران و عراق (۱۹۸۱-۱۹۸۸)

همان‌طور که پیش‌تر آمد یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، انقلاب اسلامی ایران بود. با آغاز جنگ تحمیلی عراق بر ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ (شهریور ۱۳۵۹) و با تأسیس شورای همکاری در می ۱۹۸۱، از این سال تا پایان جنگ ایران - عراق در آگوست ۱۹۸۸ (مرداد ۱۳۶۷)، جنگ ایران و عراق در صدر دستور کار شورای همکاری قرار داشت. اعضای شورای همکاری که نسبت به تهدیدات ایران و عراق نگاه متفاوت و بعضاً متعارضی داشتند، جنگ ایران - عراق را فرصتی مغتنم برای آنان فراهم کرد تا کشورهای عضو این شورا با کنار گذاشتن اختلافات داخلی، دست به اتخاذ سیاست‌های مشترک بزنند و احساس اتحاد سیاسی، امنیتی و نظامی را میان خود ایجاد و تقویت کنند.

از آغاز جنگ تحمیلی عراق بر ایران، سران کشورهای عضو شورای همکاری علیرغم اینکه با رژیم صدام حسین مشکلات اساسی داشتند، جانب عراق را گرفتند و با موضع‌گیری‌های سیاسی، صدور بیانیه‌ها و کمک‌های مالی پیدا و پنهان از عراق و برای تضعیف ایران دفاع کردند. چهار کشور عضو شورای همکاری یعنی کویت، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و قطر مجموعاً بیش از ۱۴ میلیارد دلار در هفت ماه نخست جنگ ایران و عراق به دولت عراق کمک کردند. در این میان سهم کویتی‌ها و عربستانی‌ها بیش از دیگران بود. (Ottaway, 1981) این رقم تا پایان سال ۱۹۸۲ از کمک‌های مالی مستقیم کشورهای شورای همکاری به بین ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار رسید که سهم عربستان ۲۰ میلیارد دلار، کویت ۶ میلیارد دلار، امارات متحده عربی ۲ تا ۴ میلیارد دلار، قطر ۱ میلیارد دلار و عمان علیرغم اینکه مخالف جنگ بود ۱۰ میلیارد دلار بود. (Marschall, 2003: 71)

در خلال جنگ ایران - عراق، شورای همکاری در جلسات مختلف سالانه و اضطراری، مسائل جنگ را موضوع بحث خود قرار دادند. پس از بازپس‌گیری و فتح خرمشهر توسط نیروهای نظامی ایران، شیوخ عرب شورای همکاری جلسه اضطراری سران شورای همکاری (شورای عالی) را در منامه در نوامبر سال ۱۹۸۲ تشکیل دادند. آنان از این اجلاس مواضع خود را علیه ایران آشکار کردند. در این اجلاس وزیران دفاع شورا، فرماندهان ستاد کل و وزیران کشور

جلسه‌ای را برای هماهنگی در برنامه‌های اضطراری مهار جنگ و جلوگیری از گسترش آن به قلمرو کشورهای خود تشکیل دادند. این شش کشور توانمندی نظامی ایران در برابر عراق را خطرناک توصیف کردند و در راستای تلاش برای پایان دادن به جنگ، از عراق حمایت کردند. آنان پیشروی نیروهای نظامی ایران به داخل عراق (عبور از مرزهای بین‌المللی) انتقاد کردند و پیشروی و پیروزی ایران، تهدیدی علیه امنیت ملت عرب و نقض حاکمیت آن اشاره کردند. (Kechichian, 1990: 96) در اقدامی دیگر، در ژانویه ۱۹۸۳ که سه کشور ایران، سوریه و لیبی بیانیه دمشق را برای محکومیت حمله عراق به ایران منتشر کردند، شورای همکاری واکنش نشان داد و اعلام کرد که بیانیه مزبور به ضرر وحدت عربی است و به پایان دادن جنگ کمک نخواهد کرد. آنان همچنین، از وحدت مواضع اعراب درباره تصمیم‌های اتحادیه عرب، اجلاس آتی سران جنبش عدم تعهد در دهلی‌نو و هماهنگی در مواضع مربوط به شورای همکاری خلیج فارس برای منزوی کردن ایران در بین کشورهای در حال توسعه حمایت کردند. در سال ۱۹۸۴ کشورهای عضو شورای همکاری یک هیئت دیپلماتیک را به ژاپن اعزام کردند تا دولت ژاپن را برای کاهش سطح روابط اقتصادی با ایران رایزنی کنند. دولت ژاپن تقاضای آن هیئت را رد کرد و اعلام بی‌طرفی در جنگ کرد. (Kechichian, 1990: 96-100) حتی در ۵ ژوئن ۱۹۸۴، یک هواپیمای F-15 عربستان سعودی با حمایت نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا، یک هواپیمای جنگی فانتوم F-4 ایران را بر فراز خلیج فارس مورد هدف قرار داد و منهدم کرد. (Amirahmadi, 1993: 225) در اقدامی دیگر، عراق که از گذشته دست به احداث خطوط لوله صادرات نفت به مقصد دریای مدیترانه برای کاهش وابستگی خود به خلیج فارس و تنگه هرمز زده بود، در پی جنگ ایران - عراق، دولت سوریه، متحد استراتژیک ایران، خط لوله کرکوک به بندر بنیاس که از خاک سوریه می‌گذشت، در سال ۱۹۸۱ متوقف کرد. بلافاصله عربستان سعودی برای احداث یک خط لوله جدید از بصره به بندر ینبوع در دریای سرخ از طریق خاک عربستان برای صادرات نفت عراق وارد عمل شد. در فاز اول، این خط لوله از بصره به خط لوله گوار - ینبوع (خط لوله شرق به غرب عربستان) متصل شد که روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت عراق از طریق آن صادر می‌شد. در پی تشدید حملات ایران به عراق و تخریب تأسیسات صادرات نفت عراق در ۱۹۸۴ و محدودیت صادرات نفت عراق، وزیر خارجه عربستان به بغداد رفت و عربستان و عراق توافق کردند که خط لوله ویژه عراق از بصره به ساحل دریای سرخ و با هزینه عربستان ایجاد شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۴۷) بر این اساس، در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ کشورهای کویت و عربستان به‌طور متوسط روزانه حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت برای عراق می‌فروختند و عواید آن را تحویل صدام حسین می‌دادند. در سال ۱۹۸۵ و با گسترش ظرفیت خط لوله کرکوک به بندر ینبوع این رقم به ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسید. (Ramazani, 1987: 42)

در تصمیمات سیاسی و دیپلماتیک، شورای همکاری بارها و بارها نسبت به اقدام تجاوزکارانه عراق، بمباران شهرها و حملات شیمیایی این کشور به شهرها و خاک ایران، حمله به نفت‌کش‌های ایران و بمباران پایانه نفتی خارک سیاست سکوت در پیش گرفت و هر زمان ایران به اقدامات تلافی‌جویانه برای حمله به تأسیسات نفتی عراق دست می‌زد یا در صحنه میدانی جنگ در عملیاتی پیروز می‌شد و در خاک عراق پیش روی می‌کرد، واکنش نشان می‌داد و اعلام می‌کرد که ایران باید به مرزهای بین‌المللی پایبند باشد یا به تأسیسات نفتی نباید حمله کند. در کنار اعلام مواضع خود، خواستار دخالت نهادهای بین‌المللی نظیر شورای امنیت سازمان ملل یا دخالت قدرت‌های فرمانطقه‌ای در جنگ شد.

با اجرای عملیات والفجر ۸ توسط نیروهای سپاه و ارتش ایران و فتح بندر فاو و شبه‌جزیره فاو، تنها بندر عراق و نقطه دسترسی این کشور به خلیج فارس در فوریه ۱۹۸۶ (بهمن ۱۳۶۴)، شورای همکاری، بیش از هر زمان احساس تهدید از سوی ایران در مرزهای خود در کشور کویت کرد. سران شورای همکاری در اجلاس سالانه خود در عمان در سال ۱۳۶۵، خواستار خروج فوری ایران از فاو شدند. رویداد حمله نیروهای نظامی عربستان به حجاج در مراسم برائت از مشرکین در سال ژوئیه ۱۹۸۷ (مرداد ۱۳۶۶) که منجر به شهادت ۲۷۵ نفر از حجاج ایرانی شد، تنش میان ایران و عربستان افزایش یافت و در پی آن روابط رسمی دو کشور قطع شد.

در مجموع، در طول جنگ ایران - عراق، کشورهای عضو شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی و کویت، کمک‌های مالی بلاعوض زیادی به عراق کردند. در حالی که نسبت به میزان این کمک‌ها اتفاق نظر وجود ندارد اما گفته می‌شود که بین ۲۵ تا ۶۵ میلیارد دلار به عراق کمک کردند. (Kechichian, 1990:92)

۲. دوره پس از جنگ ایران و عراق تا پایان سده بیستم

پس از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از طرف ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ (۲۰ اوت ۱۹۸۸)، جنگ ایران و عراق به پایان رسید و رهبران ایران سیاست دیپلماسی سازنده و حسن هم‌جواری با همسایگان در پیش گرفتند. پیروزی اکبر هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری در مرداد ۱۳۶۸ (اوت ۱۹۸۹)، سیاست عمل‌گرایانه و سیاست درهای باز در ارتباط با همسایگان و به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس در پیش گرفت.

ایران پس از پایان جنگ با عراق به دنبال بازسازی نقش منطقه‌ای خود در منطقه خلیج فارس بود و راه‌کار آن را در احیای روابط منطقه‌ای خود با همسایگان می‌دانست. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران در صدد برآمد با مهم‌ترین کشور شورای همکاری یعنی عربستان ارتباط برقرار کند. بدین ترتیب، ارتباطات دیپلماتیک دو کشور که پس از حادثه خونین حج سال ۱۳۶۶ / ۱۹۸۷ قطع شده بود بار دیگر در فروردین ۱۳۷۰ / مارس ۱۹۹۱ از سر گرفته شد و هر دو طرف سفارتخانه‌های خود را در پایتخت‌های یکدیگر بازگشایی کردند. حتی پیش از آن، دیدار علی‌اکبر

ولایتی، وزیر امور خارجه ایران، از کویت در ۱۹۹۰ هم گواهی بر این مدعا بود که ایران حاضر است از حامیان مالی صدام در جنگ علیه خود بگذرد و روابط خود را با همسایگان بازسازی کند.

حمله عراق به کویت در ۲ اوت ۱۹۹۱ و اشغال این کشور در کمتر از ۲۴ ساعت و نامیدن آن به نام «استان شانزدهم عراق» باعث شد تا اعضای شورای همکاری که خود در تقویت صدام حسین در جنگ ایران - عراق نقش مستقیم داشتند، متوجه بشوند که دشمن اصلی آنان صدام حسین و رژیم بعث عراق است. در این زمان، جمهوری اسلامی ایران حمله متجاوزانه صدام حسین به کویت را محکوم کرد و تلاش کرد سیاست بی‌طرفانه‌ای در قبال جنگ در پیش بگیرد. این رویکرد ایران باعث شد تا حسن اعتماد میان کشورهای اعضای شورای همکاری و ایران بیشتر شود و ارتباط نزدیک‌تری بین ایران و اعضای شورای همکاری برقرار شود.

عامل دیگری که در این دوره، باعث کاهش تنش میان ایران با سایر کشورهای حوزه خلیج فارس شد، تغییر ماهیت گفتمان «صدور انقلاب» در ایران بود. صدور انقلاب که تا پیش از این، ماهیت کاملاً ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه داشت و به دنبال صدور انقلاب در میان «امت اسلام» بود جای خود را به گفتمان «الگوسازی انقلاب اسلامی» و الهام‌گیری کشورهای اسلامی از فرایندهای توسعه در ایران داد. بنا به باور تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، «در این دوره صدور انقلاب مترادف با ارائه الگوی توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی به سایر کشورها تعریف شد. اعتقاد بر این بود که نظام حکومتی در ایران که ماهیت اسلامی دارد، اگر بتواند ثابت کند که از نظر اقتصادی نیز مدل موفق و کارآمد است، مسلمانان و کشورهای اسلامی به صورت خودکار و داوطلبانه از آن الگو برداری خواهند کرد» (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۲). به نظر می‌رسد که در این دوره، جمهوری اسلامی با تغییر نگاه سیاسی آرمانی خود بر مبنای «ام‌القرای جهان اسلام» و هدف‌گذاری برای «امت اسلام» به نگاه واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه به نظام بین‌الملل و قوانین حاکم بر آن، به دنبال اعتمادسازی و هر چه بیشتر پذیرفته شدن در ساختار نظام بین‌الملل و برای تأمین منافع ملی در چهارچوب قواعد دولت ملی و ملت ایران است که نخستین نشانه آن ارتباط سازنده با شورای همکاری بود.

در چهارچوب بهبود روابط ایران با کشورهای عضو شورای همکاری در این دوره، برگزاری هشتمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران در دسامبر ۱۹۹۷ را می‌توان نقطه عطفی در این زمینه دانست. این اجلاس عالی‌ترین و روشن‌ترین وجه از تمایل ایران و دولت‌های خلیج فارس برای بسط روابط در قالب‌های جدید بود. (Ramazani, 1998: 52) چند ماه پس از این اجلاس، دیدار آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران از عربستان در مارس ۱۹۹۸ زمینه گسترش روابط دوجانبه را افزایش داد. بهبود روابط ایران با کشورهای شورای همکاری با بازدید رئیس‌جمهور وقت ایران از شماری از کشورهای

خلیج فارس شامل عربستان، قطر و بحرین در می ۱۹۹۹ به اوج رسید. بازدید رئیس‌جمهور ایران از عربستان سعودی نخستین سفر این مقام عالی‌رتبه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که مورد استقبال رهبران سعودی قرار گرفت.

به نظر می‌رسید که تعارضات ایدئولوژیکی و ریشه‌های عمیق بی‌اعتمادی بین دو کشور چیزی نبود که بتوان با یک یا چند سفر دیپلماتیک به آسانی چالش‌های میان دو کشور را حل و فصل کند.

۳. دوره دهه اول هزاره سوم و سال‌های اخیر

در سال‌های آغازین هزاره سوم روابط رو به بهبود شورای همکاری با ایران در اواخر سده بیستم، بار دیگر به دلیل حوادث سیاسی داخلی در کشورهای عضو شورای همکاری و ایران و برخی حوادث خارج از منطقه خلیج فارس و عرصه بین‌المللی، وارد مرحله‌ای از روابط سرد، رقابتی و پرتنش شده است و حتی در برخی موارد تا آستانه مخاصمه و جنگ پیش رفته است. در این دوره، متغیرهای سیاسی مؤثر بر روابط دو طرف واحدهای سیاسی شمال و جنوب خلیج فارس بسیار زیاد است و بر همین اساس از پیچیدگی بسیار زیادی برخوردار است. عوامل مختلفی در ایجاد این رابطه پیچیده، پرفرازونشیب و پرتنش نقش داشته است که شرح و تحلیل هر یک از آن‌ها و تأثیرش بر روابط شورای همکاری با ایران، جزئیات و حواشی بسیار زیادی دارد که سعی شده است به صورت فشرده و اختصار در این قسمت بیان شود:

۳-۱. حمله گروه ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین و تغییر موازنه قدرت داخلی عراق به نفع شیعیان این کشور و مسئله طرح ادعایی هلال شیعی از سوی شیوخ عرب

از دید کشورهای عضو شورای همکاری، حمله گروه ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ و فروپاشی رژیم صدام حسین در عراق منجر به پایان یافتن سلطه سنی‌ها بر ساختار سیاسی عراق و آغازگر احیا و بازخیزی شیعیان در این کشور بزرگ خاورمیانه شد. استقبال گسترده مردم عراق از فعالان سیاسی گروه شیعه در عراق از همان ماه‌های نخست جنگ و روی کار آمدن رهبران سیاسی عراق با گرایش‌های شیعی و متمایل به ایران در دولت و پارلمان (ابراهیم جعفری، نوری مالکی، عمار حکیم) باعث شد تا برخی سران کشورهای عربی از گسترش نفوذ ایران در عراق ابراز نگرانی کنند. نزدیک شدن دو دولت شیعی ایران و عراق و مراوده گسترده مردمان دو کشور پس از صدام و به‌ویژه احیای فعالیت‌های مذهبی و بازگشایی عتبات عالیات در عراق چیزی نبود که در راستای منافع شیوخ عرب شورای همکاری و برخی هم‌پیمانان آن‌ها باشد. بر همین اساس، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن در دسامبر ۲۰۰۴ در مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست، از پیوند شیعیان ایران و عراق و اتصال ادامه قلمرو شیعی از سوریه (متحد استراتژیک ایران) تا جنوب لبنان (حزب‌الله لبنان) در سواحل دریای مدیترانه،

ابراز ناخشنودی کرد و آن را «هلال شیعی»^۱ نامید. (Louer, 2012: 243-244) به‌زعم وی، محدوده وسیعی در قلب خاورمیانه که پایگاه سنتی حکومت‌های اهل سنت بوده است با حمله ایالات متحده به عراق به قلمرو تحت نفوذ جمهوری اسلامی ایران درآمده است و قلمرو شیعیان برای ایران یکپارچه کرده است. خیلی زود، این مسئله مورد توجه سران شورای همکاری نیز قرار گرفت. در سپتامبر ۲۰۰۵، وزیر خارجه عربستان سعودی در سفر به ایالات متحده امریکا از نگرانی دولت متبوعش در مورد آن چیز که وی آن را «تحویل عراق به ایران» در نتیجه حمله امریکا به این کشور نامید، سخن راند. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۶۲) از این پس، عربستان سعودی در تلاش برای نفوذ در عراق و حمایت از جریان‌های اهل سنت در عراق برآمد که نتیجه آن ناامنی‌ها و انفجارهای بسیار زیاد در شهرهای عراق و به‌ویژه در بغداد بود. علاوه بر آن از نظر عربستان و هم‌پیمانان خود در شورای همکاری، احیا و خیزش شیعیان در عراق و پیوندهای آنان با ایران باعث تقویت واگرایی شیعیان و تضعیف ملی‌گرایی شیعیان در عربستان سعودی، بحرین و کویت شده است. از نگاه آنان، شیعیان کشورهای شورای همکاری بیش از آنکه از دولت مرکزی کشور خود اطاعت کنند، نگاه به تهران دارند.

آشکار است که گسترش حوزه نفوذ ایران در عراق به یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های اختلاف میان کشورهای شورای همکاری به‌ویژه عربستان سعودی با ایران تبدیل شده است که بر اساس قرائت شورای همکاری از این تحولات منطقه‌ای پس از سقوط رژیم بعث عراق در ۲۰۰۳م و اعدام صدام حسین، شکل جدیدی از روابط قدرت و مناسبات امنیتی در منطقه خلیج فارس شکل داده است.

۲-۳. پرونده هسته‌ای ایران و فرایند گفتگوی ایران با قدرت‌های جهانی موسوم به گفتگوهای ایران با گروه ۵+۱ و سرانجام توافق طرفین برای برداشتن تحریم‌های ایران و بازگشت پرونده ایران به حالت عادی

در دوره انقلاب اسلامی، با رسانه‌ای شدن مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران در مرداد ۱۳۸۱، بهانه لازم را برای تبلیغات ایران‌هراسی بیش از گذشته فراهم شد. مسئله هسته‌ای ایران، اختلافات سیاسی غرب با جمهوری اسلام ایران تشدید کرد و بر همین اساس، در مارس ۲۰۰۶ پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد به استناد فصل هفتم منشور سازمان ملل، از مارس ۲۰۰۷ تا ژوئن ۲۰۱۰ سه قطعنامه تحریمی (قطعنامه ۱۷۴۷ در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۰۷؛ قطعنامه ۱۸۰۳ در تاریخ ۳ مارس ۲۰۰۸ و قطعنامه ۱۹۲۹ در تاریخ ژوئن ۲۰۱۰) علیه برخی اشخاص، صنایع، بانک‌ها، شرکت‌ها، دانشگاه‌ها و صادرات و واردات و برخی کالاهای استراتژیک به ایران تصویب کرد. علاوه بر آن تحریم‌های اتحادیه اروپا تحریم‌های دوجانبه از سوی ایالات متحده امریکا، کانادا و بریتانیا علیه ایران که حجم وسیع‌تری از تحریم‌ها (نسبت به تحریم‌های شورای امنیت)

۱. Shia Crescent

علیه مبادلات اقتصادی و تجاری و امنیتی در بر می‌گرفت، باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران با سنگین‌ترین تحریم‌ها پس از انقلاب اسلامی مواجه شد.

با توجه به اختلافات ریشه‌ای و اندیشه‌ای شورای همکاری با جمهوری اسلامی ایران، شورای همکاری، هم‌نوا با ایالات متحده و دول غربی نسبت به انرژی هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کردند و بارها در نشست پایانی سران شورا یا از طریق دبیر کل اتحادیه یا از طریق وزیران امور خارجه این کشورها علیه ایران موضع گرفتند. عبدالرحمن العطیه، دبیر کل شورای همکاری، اظهار داشت که «عربستان سعودی و دیگر کشورهای عضو شورا هیچ‌گونه توجیهی برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران نمی‌بینند و این اقدامات ایرانی‌ها، نوعی ماجراجویی برای همه مردمان خلیج فارس قلمداد می‌شود». وزیر امور خارجه بحرین، در نشست امنیتی بحرین، از لزوم حضور اسرائیل در پیمان امنیتی خلیج فارس برای موازنه قدرت در برابر فعالیت‌های هسته‌ای ایران تأکید کرد. برخی دیگر از مسئولان این شورا، بر مسائل زیست‌محیطی خلیج فارس و تأثیر فعالیت‌های نیروگاه هسته‌ای بوشهر بر کشورهای شورای همکاری و خطر احتمالی آن تأکید کردند. (دوست محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۶) در مجموع، برآیند نظرات شورای همکاری در خصوص پرونده هسته‌ای ایران مثبت نبود و برای آنان سازوکار تحریم‌های شدید برای در انزوا قرار گرفتن ایران و تضعیف ایران به بهانه انرژی هسته‌ای می‌تواند منافع آن‌ها را در منطقه تأمین کند. همچنین در این دوره، اختلافات شدید ایران و غرب در خصوص مسائل هسته‌ای ایران باعث شده بود تا سران شورای همکاری از این فضا برای فشار بیشتر علیه ایران در خصوص ادعای امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه پیگیری کنند، و علاوه بر ذکر خواسته امارات در بیانیه پایانی نشست‌های سالانه این شورا، بر طرح این موضوع در جلسات و مراودات متعدد خود با مسئولان اتحادیه اروپا پرداختند و بر این اساس در تلاش بودند تا به مسئله جزایر سه‌گانه ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی بدهند و برای خود حامیان بین‌المللی پیدا کنند.

با روی کار آمدن حسن روحانی، رئیس‌جمهور یازدهم ایران در خرداد ۱۳۹۲ و طرح گفت‌وگوهای حل پرونده هسته‌ای ایران از طریق مذاکره و مفاهمه و تبیین سیاست خارجی ایران از سوی رهبری ایران با عنوان «نرمش قهرمانانه» ایران در برابر قدرت‌های جهانی، زمینه گفت‌وگوهای گسترده میان ایران و قدرت‌های جهانی باز شد. ایران که از طریق مذاکره در سال‌های ۱۳۸۲ با کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس (تروئیکا) و در سال ۱۳۸۹ با وساطت ترکیه و برزیل به دنبال راه‌حلی برای عادی‌سازی پرونده هسته‌ای خود بود و در هر بار از سوی ایالات متحده آمریکا با کارشکنی و مشکلات جدی مواجه شده بود، تصمیم گرفت که مستقیماً با ایالات متحده آمریکا مذاکره کند.

پس از انقلاب اسلامی برای نخستین بار وزیر امور خارجه ایالات متحده، جان کری، به صورت رسمی با وزیر امور خارجه ایران، محمدجواد ظریف و در قالب مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه

۵+۱ در حاشیه پنجاه و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک در ۵ مهرماه ۱۳۹۲ دیدار کردند و در خصوص مسائل هسته‌ای ایران بحث و تبادل نظر کردند. (Guardian, 2013) این شروع یک دوره از گفتگوهای طولانی و فشرده بین ایران و گروه ۵+۱ بود که اصلی‌ترین نشست‌های آن در شهرهای ژنو (۲۴ و ۲۵ مهر ۱۳۹۲)، لوزان (دو دور گفتگو از ۲۵ اسفند ۱۳۹۳ تا ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ و رسیدن به یک تفاهم‌نامه برای رسیدن به برنامه جامع اقدام مشترک) و در نهایت مذاکرات وین در هتل کوبورگ (از ۶ تیرماه تا ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴) برگزار شد که در دور نهایی مذاکرات پس از ۱۷ روز مذاکره و به طول کلی بعد از ۲۲ ماه مذاکره، طرفین به یک توافق‌نامه «برنامه جامع اقدام مشترک» موسوم به «برجام» رسیدند.

در طول این مذاکرات، پذیرش ایران به‌عنوان طرف گفتگو و مذاکره مستقیم ایران با قدرت‌های جهانی و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا چیزی نبود که خوشایند کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باشد. در طول این مذاکرات، بارها ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای از سوی مذاکره‌کنندگان غربی معرفی شد و این مسئله به‌عنوان نشانه‌هایی از پذیرش ایران در عرصه بین‌المللی به‌عنوان قدرت برتر در خلیج فارس و منطقه خاورمیانه از سوی قدرت‌های جهانی بود. امری که نگرانی‌های امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را تشدید کرد و منجر به افزایش هزینه‌های نظامی از سوی این کشورها از یک سو و تشدید کارشکنی این کشورها در عدم دستیابی به یک راه‌حل سیاسی در تحولات سوریه و همچنین تشدید اختلافات مذهبی در منطقه از سوی دیگر شد. به‌رغم تلاش‌های دیپلماتیک دائمی ایران برای متقاعد ساختن سران خلیج فارس، نسبت به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، مقامات عربی با ابهام و تردید در این خصوص می‌نگرند. از این رو، فارغ از نظامی یا غیرنظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران، دغدغه اصلی دولت‌های خلیج فارس به پیامدهای پیشرفت ایران در برنامه هسته‌ای، ولو در ابعاد غیرنظامی، برای توازن قدرت منطقه‌ای مربوط است. (هرسیچ و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲)

فضای تحریمی علیه ایران منافع ریز و درشتی را برای شورای همکاری تأمین می‌کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

تحریم صادرات نفت ایران (تحریم شرکت نفت‌کش ایران، تحریم شرکت‌هایی که نفت‌کش‌های ایران را بیمه کنند، تحریم مبادلات ارزی با ایران)، زمینه عرضه و فروش نفت بیشتر از سوی شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی را در بازارهای جهانی فراهم کرد، که این موضوع علاوه بر تأمین منافع بیشتر شورای همکاری به تضعیف ایران و از دست دادن سهمیه صادراتی نفت ایران در بازارهای جهانی منجر می‌شد؛

تحریم شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنایع نفت و گاز ایران باعث کاهش تولید نفت ایران و عدم سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری مناسب ایران در میدان‌های مشترک نفت و گاز با کشورهای حوزه

خلیج فارس می‌شد. به‌طور مثال فقط در حوزه میدان گازی مشترک ایران و قطر (میدان پارس جنوبی) ایران در مسئله سرمایه‌گذاری و استحصال گاز، ۱۲ سال از قطر عقب مانده است؛ فضای محدودشده بین‌المللی ایران در وضعیت تحریم و فشار بر ایران، زمینه بهتری برای گسترش نقش بین‌المللی منطقه‌ای کشورهای شورای همکاری، به‌ویژه عربستان، قطر و امارات متحده عربی فراهم می‌کرد؛

در فضای تحریم علیه ایران و القای ایران‌هراسی، سران شورای همکاری، زمینه مناسبی برای طرح ادعای امارات متحده عربی در خصوص جزایر سه‌گانه در مجامع بین‌المللی می‌دیدند؛ در دوره تحریم ایران و القای ایران‌هراسی، صنعت هواپیمایی (ایرلاین‌ها و خدمات پروازی) و صنایع گردشگری امارات متحده عربی و قطر در خلأ فعالیت‌ها و نیاز فضای ایران به‌شدت رشد کرد.

پس از آنکه ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران بعد از توافق برجام بر همگان و از جمله کشورهای شورای همکاری آشکار شد، به نظر می‌رسد مخالفت شورای همکاری با برجام و دوره پس از توافق، ماهیت برنامه هسته‌ای ایران نباشد، بلکه منافع زیادی که آنان از طریق این توافق از دست داده‌اند مسئله اساسی برای مخالفت آنان است.

۳-۳. بحران سوریه و حمایت ایران از بشار اسد برای حفظ حکومت سوریه و حمایت عربستان از مخالفان اسد برای سقوط رژیم اسد

هم‌زمان با بیداری اسلامی (بهار عربی) در ابتدای سال ۲۰۱۱، سوریه نیز به‌تدریج وارد یک بحران سیاسی شد که آثار و پیامدهای آن بیش از سایر کشورهای عربی گسترش یافت. بحران سوریه که برخلاف دیگر انقلاب‌های مردمی جهان عرب از شهرهای حاشیه‌ای و مرزی این کشور شروع شد و به‌سرعت با دخالت‌های قدرت‌های خارجی و قدرت‌های منطقه‌ای مخالف با بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، تبدیل به یک بحران منطقه‌ای و گسترده شد. بررسی تمام متغیرهای مداخله‌گر در بحران سوریه کار آسانی نیست و از حوصله این مقاله خارج است، اما موضع شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی و قطر به‌عنوان فعال‌ترین کشورهای عضو شورا در بحران سوریه باید گفت که دیدگاه آنان نقطه مقابل دیدگاه و فعالیت‌های ایران بود و هست. شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی که در رقابت‌های منطقه‌ای در عراق در برابر ایران موفق نبودند، در تلاش بودند تا با تقویت مخالفان بشار اسد از طریق پول و اسلحه، دولت متحد استراتژیک ایران در سوریه را سرنگون کنند و دولتی همسو و وابسته به خود را در این کشور ایجاد کنند. ایران که با سوریه روابط دوستانه و دیرینه‌ای داشت و در جنگ ایران و عراق، در دوره حافظ اسد، رئیس‌جمهوری وقت سوریه، ایران را یاری کرده بود، درصدد برآمد که از دولت سوریه حمایت کند. علاوه بر آن، ایران، سوریه را محور مقاومت در برابر رژیم اشغالگر قدس، یعنی دشمن اصلی جهان اسلام بر اساس آموزه‌های امام خمینی می‌داند و حمایت از سوریه، ضمن حفظ منابع ایران در این کشور مانع گسترش حوزه نفوذ رژیم اشغالگر قدس و دشمنان ایران

می‌داند. در مقابل شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی و قطر در راستای پیش‌فرض هلال شیعه که تهدیدی بر منافع خود می‌دانند، برای شکستن محور متحد و متصل شیعی از لبنان تا ایران (حزب‌الله، حکومت اسد، عراق و ایران) و سرنگونی علویان سوریه به حمایت از مخالفان بشار اسد که طیفی از گروه‌های لیبرال، بنیادگرا و رادیکال، تندرو و تروریستی اقدام کرد و در این راه هزینه‌های بسیار زیادی صرف کرد. همچنین از نظر رهبران عربستان، کشورهای عراق و لبنان به‌عنوان کشورهای عربی با گسترش نقش ایران در منطقه از کانون اتحاد عربستان خارج شده‌اند. بر این اساس، عربستان با حمایت‌های مالی گسترده و حمایت‌های فکری و ایدئولوژیکی به گروه‌های سلفی در سوریه در تلاش است تا دولت بشار اسد به‌عنوان هم‌پیمان ایران از قدرت خارج کند و بدین ترتیب مانع استمرار اتحاد استراتژیک سوریه با ایران و مانع گسترش حوزه نفوذ ایران در این منطقه از جهان عرب شود.

۳-۴. خیزش بیداری اسلامی در کشورهای عربی و حمایت ایران از انقلاب‌های مردمی جهان عرب و به‌ویژه قیام مردمی بحرین

جنبش بیداری اسلامی که ماهیت آن مبارزه با استبداد و حاکمان مادام‌العمر و خواهان تعیین سرنوشت از طریق افزایش مشارکت سیاسی مردم در کشورهای عربی بود، تهدیدی آشکار علیه حاکمان، ساختار سیاسی و نحوه اداره امور کشور در کشورهای عضو شورای همکاری بود. بر همین اساس، از ابتدای شروع این جریان در شمال آفریقا، سران شورای همکاری به‌شدت با آن مخالف بودند. این مسئله زمانی برای شورای همکاری بغرنج‌تر شد که خیلی زود جنبش بیداری اسلامی وارد قلمرو شورای همکاری در عربستان (قطیف و احساء) و به صورت گسترده در بحرین شد. خاندان آل خلیفه در بحرین که در برابر اعتراض گسترده مردمی مواجه شده بودند و کنترل اداره امور کشور را برایشان دشوار بود، در راستای توافق‌نامه شورای همکاری از عربستان و سایر کشورهای شورا تقاضای کمک کردند. سران شورای همکاری نیز که جنبش‌های مردم‌سالارانه و تحول‌خواه و به‌ویژه در بحرین را در تضاد آشکار با مبانی و اصول کشورداری خود می‌دانستند و همچنین ماهیت شیعی جنبش بحرین که در صورت پیروزی و تشکیل دولت، همگنی حکومت‌های سنی شورای همکاری را به هم می‌زد و حتی تهدیدی بزرگ برای کل ماهیت شورای همکاری بود، به‌شدت واکنش نشان دادند و درصدد سرکوب قیام مردمی بحرین برآمدند. بر این اساس، دولت عربستان سعودی و امارات متحده عربی به مداخله نظامی در بحرین برای سرکوب قیام مردمی برآمدند و کویت نیروی دریایی خود را به سواحل بحرین اعزام کرد. در ۱۵ مارس ۲۰۱۱، حدود ۱۲۰۰ نیروی نظامی زرهی از عربستان سعودی و ۶۰۰ نیروی پلیس امارات متحده عربی از طریق پل ملک فهد (پل ارتباطی میان عربستان سعودی و بحرین) وارد خاک بحرین شدند. سه روز پس از ورود نیروهای عربستانی و اماراتی، نیروهای بحرینی میدان مروارید را از حضور انقلابیون پاک کردند و هفت نفر از رهبران اصلی شیعه نیز مجدداً بازداشت

شدند. (صادقی اول و نقدی عشرت‌آباد، ۱۳۹۳ الف: ۵۶) اگرچه نیروهای نظامی عربستان و امارات و بحرین توانستند اجتماع مردم انقلابی میدان مروارید را سرکوب کنند و رهبران سیاسی جنبش را زندانی کنند، اما جنبش اعتراضی مردم بحرین، به صورت غیرسازمان‌دهی شده، تا به امروز ادامه داشته و در برهه‌های زمانی خاص در برخورد با نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شده است.

سران شورای همکاری در تمام این دوره، در جلسات متعدد خود، ایران را به نقض حاکمیت بحرین و دخالت در بحرین از طریق پشتیبانی از معترضان متهم کرده است. این امر مسبوق به سابقه است. تظاهرات، اعتراضات، ناآرامی‌ها و نافرمانی‌های مدنی بخشی از شهروندان کشورهای عربی سواحل جنوبی خلیج فارس در دو مقطع زمانی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰م و سال‌های آغازین دهه ۱۹۸۰م و همچنین ناآرامی‌های سال‌های اخیر در قالب جنبش بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۱ در کشورهای بحرین و عربستان (به‌ویژه در میان شیعیان) آغاز شد، باعث شد تا سران شورای همکاری، بین ناآرامی‌ها درون قلمرو آن‌ها با آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران مرتبط بدانند و آن را دخالت آشکار ایران در کشورهای خود تفسیر کنند.

وجود ناوگان پنجم ایالات متحده آمریکا در بحرین و همسویی منافع شورای همکاری با غرب باعث شده است تا علیرغم سرکوب آزادی بیان و جنبش دموکراسی خواهی و نقض آشکار حقوق بشر در بحرین، هیچ‌یک از قدرت‌های غربی و سازمان‌های بین‌المللی علیه حکومت آل‌خلیفه و اقدامات شورای همکاری موضع‌گیری نکنند و بر این اساس، دست شیوخ عرب برای سرکوب خیزش مردمی باز باشد.

۳-۵. حمله گروه ائتلاف شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی به یمن علیه حوثی-ها در فروردین ۱۳۹۴

در جنبش بیداری اسلامی که به صورت دومینو کشورهای عربی در برمی‌گرفت، خیلی زود در ژانویه ۲۰۱۱ به یمن رسید. مردم انقلابی یمن، علیه حکومت علی عبدالله صالح اعتراضات گسترده‌ای انجام داده و خواستار برکناری وی شدند. صالح که با به‌کارگیری هر دو استراتژی عدم خشونت و سپس به‌کارگیری خشونت نتوانسته بود بحران را کنترل کند، شورای همکاری را برای کنترل قیام مردم و برای عدم ورود جنبش به داخل قلمرو شورای همکاری طرحی را ارائه کرد که شامل ۵ بند اصلی و ۱۰ بند اجرایی بود. (احمدیان، ۱۳۹۰: ۱۰۸) بر اساس این طرح، ضمن تشکیل دولت وحدت ملی با مشارکت حزب حاکم و احزاب مخالف و اعطای مصونیت به علی عبدالله صالح پس از برکناری، بحران فروکش کرد. با روی کار آمدن عبدالربه منصور هادی، معاون صالح به‌عنوان رئیس‌جمهور، اختلافات درونی یمن بار دیگر در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت. حوثی-ها، شیعیان زیدی یمن، منصور هادی را دست‌نشانده عربستان می‌دانستند و نسبت به عملکرد اقتصادی و سیاسی آن به‌شدت انتقاد داشتند. در ۱۷ بهمن ۱۳۹۳ حوثی‌ها با منحل اعلام کردن

پارلمان یمن و تشکیل یک شورای ۵ نفره برای ریاست جمهوری، قدرت را در این کشور به دست گرفتند. با استعفای منصور هادی، صنعا پایتخت یمن به دست حوثی‌ها افتاد و منصور هادی به عدن و سپس به عربستان گریخت. بر اساس، طرح شورای همکاری در سال ۲۰۱۱ که یکی از بندهای اساسی آن نظارت کشورهای شورای همکاری بر اجرای طرح در یمن بود، زمینه مداخله کشورهای عضو شورای در امورات داخلی یمن را فراهم می‌ساخت. (صادقی اول و نقدی عشرت-آباد، ۱۳۹۳ الف: ۶۳) در ۲۵ مارس ۲۰۱۵، عربستان با حمایت کشورهای عربی منطقه‌ای عضو شورا (غیر از عمان) و برخی هم‌پیمانان عربستان (مراکش، مصر، اردن و سودان)، به بهانه دستیابی حوثی‌های یمن به موشک‌های بالستیک و در حمایت منصور هادی برای بازگشت به قدرت، به یمن حملات نظامی با عنوان «طوفان قاطعیت» را آغاز کردند. پرواضح است که عربستان سعودی و دیگر اعضای شورای همکاری با توجه به فرار عبدربه، رئیس‌جمهور مستعفی یمن، بیش از هر زمانی نگران قدرت گرفتن گروه‌های شیعی نظیر انصارالله و حوثی‌ها در یمن بودند که همسو با منافع ایران هستند. (صادقی اول و نقدی عشرت‌آباد، ۱۳۹۳ ب: ۱۷۸-۱۷۹) در این راستا، عربستان سعودی بارها ایران را به دخالت در یمن و حمایت مالی و پشتیبانی از انصارالله یمن و نیروهای حوثی متهم می‌کند و حوثی‌ها را عامل و کارگزار ایرانیان در یمن می‌داند. (Salisbury, 2015: 6) این باور، یکی از دلایل اصلی حمله عربستان و شورای همکاری به یمن بود. این در حالی بود که دولت ایران بارها اعلام کرده است که تنها حمایت معنوی از حوثی‌ها دارد و دخالت نظامی در یمن ندارد.

۳-۶. اعدام شیخ نمر الباقر النمر از روحانیون برجسته شیعه عربستان، توسط رژیم سعودی در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۹۴ و اعتراض شدید دولت و ملت ایران به این واقعه

عربستان سعودی که از بهار عربی در مناطق شرقی کشور خود در امان نمانده بود، در پی اعتراضات مکرر مردم در استان الحساء، در ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۳ یکی از رهبران معترضان شیعه، به نام شیخ نمر باقر النمر، با اقدام مسلحانه بازداشت کرد. در نوامبر ۲۰۱۴، حکم اعدام نمر از جانب دادگاه ویژه جزایی عربستان سعودی اعلام شد و با تأیید دادگاه تجدیدنظر، حکم او تأیید شد. دولت سعودی بدون خبر قبلی، شیخ نمر را ۲ ژانویه ۲۰۱۶ اعدام کرد. خبر اعدام شیخ نمر موجی از اعتراضات گسترده علیه آل سعود در جهان و از جمله در ایران برانگیخت. در نیمه شب روز نخست اعلام خبر اعدام شیخ نمر، در اقدامی مشکوک تعدادی به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد حمله‌ور شدند و خسارت‌هایی به این اماکن وارد کردند. در پی این حادثه عربستان سعودی بلافاصله، سفیر خود را از تهران فراخواند و به کارکنان سفارت ایران در ریاض دستور داد تا ظرف ۴۸ ساعت خاک عربستان را ترک کنند. بدین ترتیب عربستان روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد و یک روز بعد اعلام کرد که تمامی پروازها از عربستان به مقصد ایران و تمامی فعالیت‌های تجاری و بازرگانی با ایران قطع کرده است. عربستان که در پی اعدام شیخ نمر، از سوی نهادهای مختلف بین‌المللی و از جمله دبیر کل سازمان ملل و مقامات

کشورهای مختلف و ملت‌ها محکوم شده بود، برای انحراف افکار عمومی جهان و تغییر فضای رسانه‌ای جهان، از کشورهای شورای همکاری و برخی کشورهای وابسته به خود در جهان عرب خواست که روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کنند. بدین ترتیب، دولت بحرین، سودان و جیبوتی روابطشان با ایران قطع کردند و دولت امارات متحده عربی سطح روابط خود را به کاردار تنزل داد. عربستان از وزیران امور خارجه شورای همکاری تقاضای جلسه اضطراری کرد و آنان در ریاض در ۱۸ دی ۱۳۹۴ در بیانیه‌ای حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در ایران را محکوم کردند و همچنین آنچه را که دخالت ایران در امور کشورهای شورای همکاری خواندند محکوم کردند. در پایان این نشست، عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان در کنفرانس خبری گفت: «عربستان سعودی ممکن است در هفته‌های آینده اقدامات دیگری علیه ایران انجام دهد.» عبداللطیف الزیانی، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس نیز گفت: «کشورهای شورای همکاری صف واحدی با عربستان تشکیل دادند و این کشورها تدابیر ضدایرانی دیگری اتخاذ خواهند کرد.» (Reuters, 2016) یک روز بعد، جلسه فوق‌العاده وزیران امور خارجه اتحادیه عرب به درخواست عربستان سعودی در خصوص ایران در قاهره، پایتخت مصر برگزار شد که در بیانیه پایانی این نشست، ضمن حمایت کامل از عربستان سعودی، با صدور بیانیه‌ای حمله به مراکز دیپلماتیک عربستان سعودی در ایران را محکوم کردند و ایران را حامی تروریسم و مداخله‌گر در کشورهای عربی دانستند. این بیانیه مورد حمایت تمامی اعضای اتحادیه عرب به جز لبنان قرار گرفت. (Uk.Reuters, 2016)

فعالیت‌های گسترده ضدایرانی عربستان سعودی در پس از مسئله اعدام شیخ نمر باعث شد تا محمدجواد ظریف، در نامه‌ای سرگشاده به دبیرکل سازمان ملل متحد، سازمان همکاری اسلامی و وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان ملل متحد بر اقدامات افراط‌گرایانه و تفرقه‌افکنانه رهبران عربستان سعودی هشدار دهد. ظریف در بخشی از این نامه نوشت: «دست‌اندرکاران کشتارهای افراط‌گرایانه و نیز اغلب اعضای القاعده، طالبان، داعش و جبهه النصره شهروندان سعودی هستند. ... هم اینان پیام ضداسلامی نفرت و طرد و فرقه‌گرایی را ظرف چند دهه در جهان گسترانیده‌اند.» (وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴)

عربستان که در رقابت‌های منطقه‌ای با ایران در سوریه، لبنان و عراق و حتی یمن به اهداف خود دست پیدا نکرده بود، بهانه لازم را برای فشار بر ایران از طریق نهادهای بین‌المللی و کشورهای جهان عرب به دست آورده بود. عربستان پس از طرح مسئله حمله به سفارتش در تهران در شورای همکاری و اتحادیه عرب، خواستار برگزاری جلسه‌ای فوق‌العاده سازمان همکاری اسلامی شد. بدین ترتیب در اول بهمن ۱۳۹۴ در جلسه فوق‌العاده وزرای امور خارجه سازمان همکاری اسلامی در جده، مانند دو نهاد قبلی، طی بیانیه‌ای که به امضای حاضران در جلسه به جز لبنان رسید، حمله به سفارت عربستان را محکوم کردند. (Organization of Islamic Cooperation,)

(2016a) عربستان سعودی، بهانه لازم را به دست آورد بود و حاضر نبود به راحتی آن را از دست بدهد. سران سعودی در سیزدهمین اجلاس سران کشورهای سازمان همکاری اسلامی در ۲۴ فروردین ۱۳۹۵ در استانبول بار دیگر موضوع حمله به سفارت عربستان در تهران را طرح کردند و توانستند بندهایی را علیه ایران در بیانیه پایانی بگنجانند. (Organization of Islamic Cooperation, 2016b)

در هر صورت در این زمان، تنش‌های میان عربستان سعودی و ایران به حدی افزایش پیدا کرده بود که با هر بهانه‌ای وارد یک بحران فزاینده منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شد. اگر شکیبایی و خویشتن‌داری ایران نبود، و اگر ایران می‌خواست اعمال تلافی‌جویانه انجام دهد، جنگ میان دو کشور حتمی بود. رهبر ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهوری ایران و وزیر امور خارجه ایران، بارها در مجامع مختلف و رسانه‌ها از حفظ اتحاد در جهان اسلام، حفظ امنیت خلیج فارس و حسن هم‌جواری با همسایگان تأکید کردند و خواستار پرهیز رهبران سعودی از ماجراجویی و اقدامات فرقه‌گرایانه در منطقه شدند.

موارد فوق همه آنچه میان شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی با ایران در ۱۷ سال اول هزاره سوم بود، نیست. علاوه بر موارد فوق باید وقوع حادثه منا در جریان اعمال حج در مهرماه ۱۳۹۴ و جان باختن ۴۶۵ تن از حجاج ایرانی، دفن بدون مجوز تعدادی از کشته‌شدگان حجاج ایرانی توسط دولت سعودی در مکه و سرنوشت نامعین تعدادی از این حجاج و از جمله سفیر سابق ایران در لبنان تا دو ماه بعد از حادثه، تولید مازاد نیاز بازار نفت توسط عربستان سعودی و عدم همکاری با ایران برای سیاست‌گذاری برای افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، کمک به گروه‌های تروریستی و مخالفان جمهوری اسلامی ایران و از جمله گروهک عبدالمالک ریگی، مسئله انقلاب مصر و حمایت ایران از انقلاب مردمی و اخوان‌المسلمین در سال ۲۰۱۱ و در مقابل حمایت عربستان از حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مخلوع مصر و حمایت از کودتای ژنرال عبدالفتاح سیسی در سال ۲۰۱۳، مسئله لبنان و حزب‌الله و مسائل نوار غزه و حماس و جنگ‌های مختلف حماس با اسرائیل را نام برد که هرکدام دارای پیامدهای سیاسی و مسائل امنیتی مختلفی بود که بر تنش و بحران میان ایران و عربستان سعودی افزود و به تبع آن بر روابط میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس سایه افکند.

تجزیه و تحلیل

شورای همکاری خلیج فارس از آغاز در برابر جمهوری اسلامی ایران موجودیت یافت و به تدریج بر ابعاد رقابت و تنش میان دو واحد سیاسی به‌ویژه بین ایران و عربستان افزوده شد. در دهه نخست شکل‌گیری شورای همکاری رابطه این دو واحد سیاسی متأثر از جنگ ایران و عراق بود. این جنگ باعث شد تا عربستان سعودی در مشغولیت دو قدرت رقیب منطقه‌ای خود (ایران و عراق)، بتواند ساختار امنیتی و سیاسی جدیدی را در چهارچوب شورای همکاری برای امنیت،

قدرت و اتحاد بیشتر در میان کشورهای شبه جزیره عربستان (غیر از یمن) ایجاد کند. تعارض ایدئولوژیک با ایران و تلاش برای ظاهر شدن در جایگاه رهبریت جهان عرب از سوی عربستان سعودی باعث شد تا از ماه‌های نخست جنگ، این کشور به همراه هم‌پیمانان خود در شورای همکاری، کمک‌های پیدا و پنهان زیادی را به رژیم بعث کنند. هر زمان که ارتش عراق در موضع ضعف و شکست در برابر ایران قرار می‌گرفت این همکاری‌ها تشدید می‌شد، اما آنان احساس می‌کردند که پیروزی صدام حسین در جنگ می‌تواند موازنه قدرت در جهان عرب و به‌ویژه کشورهای عربی جنوب غرب آسیا را به هم بزند و خطر عراق قدرتمند برای شورای همکاری کمتر از پیروزی ایران در جنگ نیست؛ بنابراین، با توجه به فرصت‌ها و تهدیدات جنگ ایران - عراق برای شورای همکاری، سران این شورا خواهان جنگی بودند که در وهله اول نتیجه جنگ، طرف پیروز و شکست‌خورده‌ای نداشته باشد و دوم اینکه جنگ بتواند توان، امکانات و قدرت دو کشور ایران و عراق را به‌عنوان دو قدرت رقیب برای شورای همکاری تضعیف سازد. از این رو، از نگاه سران شورای همکاری در آن زمان، مادامی‌که دامنه جنگ به کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس کشیده نشود، جنگ فرسایشی میان عراق و ایران در راستای منافع شورا بود.

لازم به ذکر است که شورای همکاری در دوره جنگ تحمیلی اگرچه در برخی نشست‌ها و اجلاس مواضع ضدایرانی به‌طور علنی آشکار کرد، اما همه اعضای شورا نگاه واحدی به موضوع جنگ ایران و عراق نداشتند. این موضوع در نیمه دوم جنگ (چهار سال پایانی جنگ) بیشتر نمایان شد. کشورهای امارات متحده عربی به دلیل پیوندهای تجاری گسترده با ایران و کشور عمان به دلیل منافع مشترک اقتصادی و امنیتی در تنگه هرمز سعی در بی‌طرفی در جنگ داشتند در حالی‌که کشورهای کویت و عربستان سعودی حمایت آشکار از عراق در پیش گرفته بودند، سیاست بحرین و قطر حمایت نسبی غیرآشکار از عراق بود.

در دوره دوم، یعنی در سال‌های پس از جنگ ایران و عراق و دهه پایانی سده بیستم، اگرچه دو واحد سیاسی تلاش کردند به یکدیگر نزدیک شوند و روابط سیاسی و دیپلماتیک را گسترش دهند، اما چالش‌های سیاسی ریشه‌دار و عمیق و تعارض‌های ایدئولوژیکی و مناقشات ارضی و مرزی میان ایران و اعضای شورای همکاری چیزی نبود که به آسانی و با رفت‌وآمد چند مقام عالی‌رتبه سیاسی حل‌وفصل شود. در این دوره، علیرغم بهبود روابط ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، اما همچنان چالش‌های بزرگی پیش رو عادی‌سازی این روابط وجود داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

از ابتدای دهه ۱۹۹۰م، سران شورای همکاری در بیانیه‌های اجلاس سالانه خود بر تعلق جزایر سه‌گانه (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) به امارات متحده عربی تأکید و نسبت به حاکمیت ایران بر این جزایر اعتراض داشتند. این در حالی است که ایران این جزایر را جزء لاینفک قلمرو

سرزمینی و حاکمیت خود می‌داند و اقدام شورای همکاری را خلاف قوانین بین‌المللی و حسن هم‌جواری می‌داند؛

ایران با نگرش به اینکه دشمن اصلی جهان اسلام، رژیم اشغال‌گر قدس است، مخالف روند صلح اعراب و اسرائیل در این دوره بود؛

ایران با نگرش به اینکه امنیت منطقه‌ای خلیج فارس باید به دست دولت‌های محلی خلیج فارس ایجاد و تأمین شود، مخالف هرگونه دخالت و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس است. این در حالی بود که حمله عراق به کویت، زمینه افزایش بی‌سابقه حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس را فراهم کرد. این حضور بی‌سابقه، با حمایت کشورهای عضو شورای همکاری و با در اختیار قرار دادن برخی از فضای کشورهای عضو به نیروهای نظامی ایالات متحده تسهیل و تشدید شد؛

عقد قراردادهای دوجانبه و تمرین‌های نظامی مشترک میان ایالات متحده و تعدادی از کشورهای عضو شورای همکاری عامل دیگری بر ایجاد حس بی‌اعتمادی و نارضایتی بین ایران و شورای همکاری شده بود.

در دوره سوم، یعنی دو دهه آغازین هزاره سوم، رابطه شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران بسیار پیچیده و غامض‌تر از دوره‌های قبل است. به‌گونه‌ای که علاوه بر پایداری چالش‌های دوره دوم، جنگ سردی میان دو قدرت جهان اسلام یعنی ایران و عربستان سعودی در مقیاس منطقه‌ای به وجود آمده است که نظام ژئوپلیتیکی منطقه مرکزی جهان اسلام را تحت تأثیر قرار داده است. مهم‌ترین ویژگی‌های ژئوپلیتیکی میان شورای همکاری و ایران در این دوره عبارت‌اند از:

در این دوره، شاخص‌ها و مناسبات ژئوپلیتیک جنگ سرد یا ژئوپلیتیک ایدئولوژیک میان دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی در منطقه جنوب غرب آسیا حاکم است. آنان این منطقه را به قلمروهای نفوذ خود تقسیم کرده‌اند. هر یک از آن‌ها قلمروهای ژئوپلیتیکی را برای خود تعریف کرده‌اند و سعی در به چالش کشیدن قدرت رقیب و محدود کردن حوزه نفوذ رقیب دارند. آنچه را که ایران «کشورهای محور مقاومت» (ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین) می‌نامد، پیوستگی جغرافیایی از ایران تا سواحل دریای مدیترانه تشکیل می‌دهد که در حوزه علائق ژئوپلیتیکی ایران قرار دارد، اما مخالفان جمهوری اسلامی ایران آن را «هلال شیعی» می‌دانند که ایران با اندیشه ژئوپلیتیک شیعی در بخش سنتی جهان عرب نفوذ کرده است. عربستان با ادعای رهبری در جهان عرب در تلاش برای تأثیرگذاری و نفوذ در کشورهای عربی هلال شیعی است و ایران با حمایت خود از جنبش مردمی بحرین و حوثی‌های یمن به دنبال نفوذ در قلمرو ژئوپلیتیکی عربستان است؛

در گفتمان ژئوپلیتیک ایدئولوژیک منطقه‌ای، نظریه هلال شیعی در راستا پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه و جهان است. بر اساس واقعیت‌های میدانی، آن‌طوری که گفته می‌شود شیعیان در یک منطقه هلالی شکل که به صورت یکپارچه باشند، قرار نگرفته‌اند. سوریه یک کشور اهل سنت است و شیعیان این کشور به‌عنوان علویان، جمعیت حداقلی هستند (۱۳ درصد جمعیت سوریه) که در مورد شیعه بودن آن‌ها اختلاف نظر زیادی وجود دارد؛ بنابراین، این کشور یک کشور شیعی محسوب نمی‌شود. وجود گروه‌های اهل سنت در عراق، سوریه و لبنان و همچنین گروه‌های مسیحی در این کشورها برخلاف واقعیت‌های نظریه هلال شیعی است. جنبش حماس و ساکنان باریکه نوار غزه کاملاً سنی مذهب هستند. به نظر می‌رسد عربستان سعودی و مخالفان جمهوری اسلامی ایران، ریشه تغییر موازنه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای به نفع ایران را باید در قدرت بومی ایران و حمایت این کشور از دولت‌های مقاومت جستجو کنند. بر این اساس، نظریه هلال شیعی و ژئوپلیتیک شیعه‌گرا نمی‌تواند تحولات منطقه‌ای را به‌خوبی توضیح دهد؛

باید توجه داشت که ایدئولوژی انقلابی با آرمان‌های جهان‌نگری ایران که ماهیت ضداستکباری دارد، خواهان رویارویی با عربستان سعودی و شورای همکاری نیست، اما به دلیل آنکه شورای همکاری هم‌پیمان غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه است و عربستان سعودی به‌عنوان کشور متمول و مدعی که درصدد گسترش حوزه نفوذ خود و رهبری در جهان اسلام و جهان عرب است، با جمهوری اسلامی ایران دچار تضاد منافع شده و در مقابل ایران ایستاده است؛ قدرت نظامی بومی ایران و به‌ویژه قدرت موشکی و پروپاگاندای ایران‌هراسی به‌ویژه در پرونده هسته‌ای ایران باعث شد تا کشورهای شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر اساس گفتمان ژئوپلیتیک جنگ سرد و ایدئولوژیک به رقابت تسلیحاتی با ایران بپردازند. در این راستا، قراردادهای بسیار هنگفتی با ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه برای تأمین تسلیحات پیشرفته هوایی و زمینی منعقد کرده‌اند، که علاوه بر تقویت بنیه نظامی و امنیتی خود، منافع دولت‌های غربی را تأمین می‌کنند؛

کشورهای عضو شورای همکاری، هم‌پیمان ایالات متحده و تا حدودی زیادی تابع و وابسته به سیاست‌های ایالات متحده در منطقه هستند. از این رو، تحلیل رابطه اعضای شورای همکاری با ایران بدون در نظر گرفتن سیاست‌های ایالات متحده کامل نیست. فراز و فرودهای رابطه شورای همکاری با جمهوری اسلامی ایران تا حدود زیادی تابع قبض و بسط سیاست‌های آمریکا در قبال ایران بوده و تنش موجود در روابط ایران و آمریکا بر روابط ایران با همسایگانش نیز سایه افکننده است؛

در مجموع، در سال‌های اخیر، در پی موفقیت‌های ایران در سوریه، عراق و لبنان و حل پرونده هسته‌ای باعث گشایش‌های ژئوپلیتیکی و افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران شده است و منافع شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی را به خطر انداخته است. ناکامی‌های ژئوپلیتیکی

عربستان سعودی در این کشورها و همچنین تداوم بحران یمن و پایداری جنبش مردمی بحرین باعث شده است تا عربستان سعودی به دنبال ایجاد چالش‌های ژئوپلیتیکی جدید برای ایران باشد که نمونه اخیر آن حمایت از استعفای سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان، به بهانه دخالت ایران در لبنان و پیروی حزب‌الله از ایران بود؛

برخلاف دوره‌های قبل که ساختار ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس در سه ضلع قدرت ایران، عراق و شورای همکاری بود، در دوره جدید ساختار نسبتاً دووجهی پیدا کرده است. به گونه‌ای که سواحل شمالی خلیج فارس متشکل از دو کشور بزرگ و پرجمعیت منطقه یعنی ایران و عراق با محوریت ایران یک ضلع و کشورهای شورای همکاری در سواحل جنوبی با محوریت عربستان سعودی ضلع دوم مناسبات امنیتی و رقابت‌های قدرتی را تشکیل داده‌اند؛

عربستان سعودی که در رقابت‌های میدانی منطقه‌ای نتوانسته بر سیاست‌های منطقه‌ای ایران فائق آید، سعی در استفاده از اقدامات و فشارهای نهادهای بین‌المللی شورای همکاری، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی علیه ایران شد. با تلاش‌های بی‌وقفه دولت سعودی و همراهی کشورهای ضعیف و وابسته به حمایت‌های مالی عربستان، ایران به بهانه دخالت در کشورهای عربی یا حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در تهران بارها محکوم شد، اما این اقدامات از انتشار بیانیه و محکومیت ایران فراتر نرفت و به نظر می‌رسد که عربستان ابزار قدرتمندی که بتواند ایران را در موضع ضعف قرار دهد، در اختیار ندارد.

نتیجه‌گیری

دو کشور ایران و عربستان سعودی مهم‌ترین کشورهای جهان اسلام هستند. این دو کشور در منطقه خلیج فارس واقع شده‌اند، جایی که هسته مرکزی جهان اسلام را تشکیل داده‌اند. عربستان سعودی خاستگاه جهان اسلام است و تا حدود زیادی مدعی رهبری در جهان عرب و مدعی رهبری در جهان اسلام اهل سنت است. راهبران سیاسی عربستان خود را «خادمین حرمین شریفین» می‌دانند و با اتکا به وجود قبیله مسلمانان در این کشور و وجود دلارهای نفتی در تلاش برای گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه و جهان اسلام هستند. جمهوری اسلامی ایران با هویت شیعی، احیاگر اسلام سیاسی و ارزش‌های اسلامی و مدعی رهبری جهان اسلام است و خود را «ام‌القرای جهان اسلام» می‌داند. این دو کشور مهم جهان اسلام از اواخر دهه ۱۹۷۰ در پی وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس وارد رقابت منطقه‌ای، ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی شده‌اند که به استثنای سال‌های دهه ۱۹۹۰ که کمی این دو قدرت منطقه‌ای به یکدیگر نزدیک شدند، روزبه‌روز بر ابعاد و پیچیدگی‌های آن افزوده شده است. تقریباً هر دو کشور نسبت به رویدادها و حوادث انقلابی، سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی و اجتماعی در منطقه و کشورهای پیرامونی نگاه متفاوتی داشته‌اند و این تفاوت‌ها در بسیار موارد منجر به تنش، منازعه و چالش ژئوپلیتیکی شده است.

رابطه شورای همکاری و جمهوری اسلامی ایران به سه دوره قابل تقسیم است. دوره نخست که هم‌زمان با شکل‌گیری شورای همکاری و سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ایران است با دوره جنگ ایران - عراق برابری دارد. در این دوره عربستان سعودی و هم‌پیمانانش در شورای همکاری به دنبال کمک به عراق برای تضعیف بیشتر ایران و فرسایشی شدن جنگ و تضعیف قدرت ملی هر دو کشور عراق و ایران بودند. در دوره دوم در دهه ۱۹۹۰ علی‌رغم تلاش برای نزدیکی بیشتر دیپلماتیک ایران و کشورهای شورای همکاری به دلیل وجود چالش‌های ژئوپلیتیکی پایدار میان قدرت سیاسی کرانه شمالی و جنوبی خلیج فارس توفیق زیادی حاصل نشد. در دوره سوم، که با شروع سال‌های نخست هزاره سوم آغاز شده است، بیش از گذشته چالش‌های سیاسی، ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی میان دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی وجود دارد. مناسبات سیاسی و ژئوپلیتیکی دو طرف کرانه شمالی و جنوبی خلیج فارس در دوره جدید از جنس تقابل و رویاروی آشکار و کامل است. به‌گونه‌ای که در این دوره، مناسبات ژئوپلیتیکی میان دو قدرت جهان اسلام از جنس ویژگی‌های ژئوپلیتیکی جنگ سرد منطقه‌ای و نظام ژئوپلیتیکی ایدئولوژیک است که دامنه رقابتی آن تقریباً در سراسر غرب آسیا فرا گرفته است. رقابت و میدان‌داری ایران و عربستان در تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای باعث گسیختگی فضای ژئوپلیتیکی و تقسیم قلمروهای ژئوپلیتیکی در درون هسته مرکزی جهان اسلام شده است. از این رو، رابطه رقابتی و پرتنش میان شورای همکاری و به‌ویژه عربستان سعودی با ایران، تأثیر بسیار شگرف منفی بر اتحاد منطقه‌ای و جهان اسلام گذاشته است. به نظر می‌رسد که تا زمانی که روابط ایران و عربستان سعودی از حالت تنش و منازعه خارج نشود، صحبت از اتحاد جهان اسلام سخنی گزافه است.

کتاب‌نامه

الف- کتب

۱. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۸، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت، چاپ

پنجم.

ب- مقالات

۲. احمدیان، حسن، (۱۳۹۰)، «طرح شورای همکاری خلیج فارس و آینده قیام مردم یمن»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۲، شماره ۴۸، صص ۱۰۵-۱۲۲.
۳. تاجیک، محمدرضا؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۲)، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد، شماره ۲۷، صص ۶۱-۸۰.
۴. حاجی یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۸)، «هلال شیعی، فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و امریکا»، دانش سیاسی، سال ۵، شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۹۲.

۵. دوست‌محمدی، احمد و همکاران، (۱۳۸۹)، «تأثیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر همگرایی امنیتی در بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۲، شماره ۸، صص ۲۹-۵۰.
۶. دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی دولت نهم»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۳، صص ۳۵-۵۰.
۷. صادقی اول، هادی؛ نقدی عشرت‌آباد، جعفر، (۱۳۹۳ الف)، «روابط ایران و دژ منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۵۱-۱۸۲.
۸. صادقی اول، هادی؛ نقدی عشرت‌آباد، جعفر، (۱۳۹۳ ب)، «واکنش شورای همکاری خلیج فارس به بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۴۸-۴۹.
۹. هرسیچ، حسین و دیگران، (۱۳۹۳)، «روابط کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و ایران از منظر منطقه‌گرایی»، سیاست دفاعی، سال ۲۲، شماره ۸۸، صص ۹-۳۸.
- ج- اینترنتی**
۱۰. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۴/۱۰/۱۹)، «نامه دکتر ظریف به دبیران کل سازمان ملل و سازمان همکاری اسلامی و وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان ملل متحد».

<<http://mfa.ir/index.aspx?siteid>>

د- انگلیسی

11. Amirahmadi, H. (1993), *The United States and the Middle East: A Search for New Perspectives*, SUNY Press.
12. Guardian (2013), Iran's foreign minister Javad Zarif to meet John Kerry at UN, In: <<https://www.theguardian.com>>.
13. Kechichian, J.A. (1990), *The Gulf Cooperation Council and the Gulf War*, in: *The Persian Gulf War: Lessons for Strategy, Law, and Diplomacy*, Edited by Christopher C Joyner, Greenwood Press.
14. Louer, L. (2012), *Transnational Shia Politics: Religious and Political Networks in the Gulf*, Hurst Publishers.
15. Marschall, C. (2003), *Iran's Persian Gulf policy: from Khomeini to Khatami*, London: Routledge.
16. Organization of Islamic Cooperation (OIC) (2016a), *The Extraordinary Meeting of The Council of Foreign Ministers of The Organization Of Islamic Cooperation*, In: <<http://www.oic-oci.org>>.
17. Organization of Islamic Cooperation (OIC) (2016b), *13th Session of the Islamic Summit Conference Istanbul Declaration on Unity and Solidarity for Justice and Peace*, 14-15 April 2016. In: <<http://www.oic-oci.org>>.
18. Ottaway, D.B. (1981), "Gulf Arabs Place Reins on Iraq While Filling War Chest, "Washington post, December 21. In: <<https://www.washingtonpost.com/archive/politics>>.
19. Ramazani, R.K. (1987), *Revolutionary Iran: Challenge and Response in the Middle East*, Johns Hopkins University Press, 1987.
20. Ramazani, R.K. (1998), "The Emerging Arab-Iranian Rapprochement; Towards on Integrated U.S policy in the Middle East", *Middle East Policy*, Vol 6, No 1.

- 21.Reuters (2016), Saudi Arabia may take more measures against Iran in execution row: foreign minister, 9 January 2016, In: <<http://www.reuters.com/article/us-saudi-iran>>.
- 22.Salisbury, P. (2015), Yemen and the Saudi-Iranian 'Cold War', Middle East and North Africa Programme. February 2015.
- 23.Uk.Reuters (2016), Arab foreign ministers accuse Iran of undermining regional security, 10 January 2016, In: <<http://uk.reuters.com/article/us-saudi-iran-arableague>>.